

# جسد مثله شده راز پنهان زن قاتل را فاش کرد

زن جوان که پس از قتل شوهرش و رها کردن تکه‌های جسد او کنار رودخانه فشم سعی داشت با صحنه‌سازی مسیر تحقیقات پلیسی را منحرف کند سرانجام مجبور شد راز این جنایت هولناک را فاش کند.

یکم دی امسال، زوج جوانی برای تفریح به کنار رودخانه فشم رفته بودند که ناگهان گونی خون آلودی را مشاهده کردند. وقتی مرد جوان گونی را باز کرد با دیدن پای بریده‌شده یک انسان وحشتزده با پلیس تماس گرفت. لحظاتی بعد کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم راهی محل شدند.

تحقیقات پلیسی در این رابطه ادامه داشت تا اینکه 4 روز بعد، مرد جوانی با پلیس تماس گرفت و خبر از کشف یک گونی داد که دست بریده‌ای داخل آن قرار داشت. بررسی‌های کارشناسان پزشکی قانونی نشان می‌داد دست و پای کشف‌شده متعلق به مردی میانسال است.

کارآگاهان در ادامه با بررسی پرونده افراد گمشده به مردی به نام کاظم رسیدند که پدرش ناپدید شدن او را اعلام کرده و گفته بود: پسر من از 28 آذر امسال ناپدید شده است و هر چه سراغ او را از عروسم می‌گیرم، او مدعی است که به خاطر بیماری در بیمارستان بستری است. ولی شهناز، عروسم اسم بیمارستان را نمی‌گوید، ما هم به سراغ چند بیمارستان اطراف خانه‌مان رفتیم اما اسم پسر من در لیست بیمارها نبود. احتمال می‌دهم که برای پسر من اتفاقی رخ داده باشد.

## آزمایش DNA

با شروع تحقیقات، آزمایشات DNA از خانواده کاظم گرفته شد و با DNA جسد مرد ناشناس تطبیق داده شد. آزمایشات نشان می‌داد که جسد متعلق به کاظم است و او طبق اعلام پدرش در یک مغازه کفش‌فروشی اجاره‌ای کار می‌کرده است.

در ادامه کارآگاهان به سراغ همسر وی رفتند. زن جوان مدعی شد: همسر من بیماری کلیه دارد و به همین دلیل در یکی از بیمارستان‌ها بستری است.

مأموران اداره دهم پلیس آگاهی به سراغ بیمارستانی رفتند که شهناز ادعا داشت شوهرش در آن بیمارستان بستری است. اما شخصی با هویت کاظم در بیمارستان موردنظر یافت نشد. بدین ترتیب تحقیقات مجدد از شهناز صورت گرفت و این‌بار زن 38 ساله گفت: شوهرم در کار

پیدا کردن گنج است و هر چند وقت یکبار به همراه دوستانش برای یافتن گنج و زیرخاکی از تهران خارج می‌شود. 28 آذر نیز به همراه دوستانش برای یافتن زیر خاکی به اطراف تهران رفتند اما شوهرم برای احتیاط حتی گوشی‌های تلفن همراهش را نیز با خودش نبرده و چون می‌دانستم که این کار جرم است به خانواده‌اش و به پلیس دروغ گفتم تا برای او مشکلی پیش نیاید.

با توجه به تناقض گویی‌های زن جوان وی بازداشت شد تا اینکه شامگاه چهارشنبه گذشته در نهایت شهناز لب به اعتراف گشود و به قتل همسرش اعتراف کرد.

## گفتوگو با متهم

شهناز، 38 سال دارد خودش می‌گوید ورزشکار حرفه‌ای است، دو فرزند دارد، اما در اقدامی عجیب همسرش را کشته و جسدش را مثله و تکه‌های بدن او را در کنار رودخانه فشم رها کرده است.

**چرا همسرت را به قتل رساندی؟**

از دستش خسته شده بودم. دیگر نمی‌توانستم رفتارهایش را تحمل کنم.

**مگر چه کار می‌کرد؟**

کتکم میزد ناسزا گویی و بددهنی می‌کرد. در کنار همه اینها معتاد هم بود.

**چطور با کاظم آشنا شدی؟**

بچه که بودم مادر و پدرم از هم جدا شدند. شرایط خانه پدری‌ام خوب نبود و برای فرار از آن وضعیت ازدواج کردم. اما از چاله به چاه افتادم.

**از زمان جنایت بگو.**

آن شب بازهم باهم دعوایمان شد. شروع به فحاشی کرد و مرا کتک زد. من هم از فرصت استفاده کردم و زمانی که پشتش به من بود، بند مانتویم را برداشتم و دور گردنش انداختم. بعد از قتل جسد را داخل اتاق خواب قرار دادم و اجازه ندادم که پسر 13 ساله و دختر 8 ساله‌ام از ماجرا باخبر شوند. روز بعد بچه‌ها را به خانه یکی از آشنایان بردم و بعد هم برگشتم و جسد را داخل حمام برده و مثله کرده و تکه‌های آن را داخل گونی انداختم. بعد هم گونی‌ها را داخل خودرو خودم قرار دادم و به سمت فشم حرکت کردم.

**فکر می‌کردی ماجرا برملا شود؟**

هیچ ردی از این جنایت به جا نگذاشته بودم و نمی‌دانم چطور هویتش شناسایی شد و من لو رفتم.

\*ایران/مرضیه همایونی